

## حضرت والا مامبو جامبو

نوشته‌ها between آذر ۱۰, ۱۳۸۸ and دی ۱۰, ۱۳۸۸ from مهر ۲۷, ۱۳۹۸ using [Print My Blog](#)

### پروفایلی برای تمام فصول

November 30, 2009

دسته‌ها: دنیای نرم افزار  
برچسب‌ها: openID, profile, گوگل

شما وقتی بخواهید از یک وبسایت استفاده کنید معمولاً باید در آن وبسایت ثبت‌نام کنید یعنی اینکه نام کاربری و کلمه عبوری برای آن انتخاب کنید کاری که اگر زندگی اینترنتی گسترده‌ای داشته باشید بعد از مدتی پرمحنت می‌شود برای به خاطر آوردن تمام آن‌ها و یا اینکه طی کردن مراحل ثبت نام برای هر وبسایت.

در این حالت بود که سرویسی با نام [OpenID](#) به وجود آمد که شما در این وبسایت ثبت نام می‌کردید و به نوعی یک شناسه دریافت می‌کردید خیلی از سایت‌ها openID را پشتیبانی می‌کنند که دیگر شما نیاز به ثبت نام ندارید و از آدرس openID خود استفاده می‌کنید. به عنوان مثال سایت [لابوژورنال](#) به جز صفحه ثبت نام و ورود معمول خود صفحه‌ای برای کسانی که openID دارند اختصاص داده است.

here.

LiveJournal.com but want to leave authenticated comments and let people add you a then you can login either in the form below, or from any comment entry form. Once t LiveJournal.com users have indicated you're allowed to read.

Your OpenID URL: <input type="text"/>	<input type="button" value="Login"/>
For example: <a href="#">melody.someblog.com</a> (if your host supports OpenID)	

on another site.

orts OpenID and you want to use your LiveJournal.com identity there, just enter you ust enter [melody.livejournal.com](#), or whatever your address is. After you do so, y

اما بحث ما openID نیست ! بحث ما بر سر امکان جدید گوگل است. سرویسی که قبلاً گوگل ارائه کرد یعنی [گوگل پروفایل](#). صفحه‌ای که شما می‌توانید راه‌های تماس خود ، اکانت‌های مختلف خود به همراه تصاویری از خود را در آن قرار دهید و به عنوان شناسه‌ای از خود در وب به دیگران بدهید و یا توییت کنید. و یا به عنوان امضای ایمیل خود الحاق کنید. به عنوان مثال پروفایل من : [حضرت والا](#).

موضوع اینجاست که گوگل پروفایل و openID با هم توافق کرده‌اند که از این به بعد هر جا شما و در هر وبسایتی برای ثبت نام امکان استفاده از openID را دیدید کافیه در آن بخش گوگل پروفایل خود را وارد کنید ! یعنی دیگر نیازی به ثبت نام در openID هم ندارید. پس از این لحظه به بعد گوگل پروفایل شما شناسه بسیار مهم و پرکاربردی خواهد شد. برای امتحان کردن هم در همین سایت [لابوژورنال](#) به جای آدرس openID آدرس صفحه پروفایل خود را بدهید که به سادگی و بدون ثبت نام وارد می‌شوید. گوگل در حال فتح همه چیز است...

## گوگل دشبورد

December 1, 2009

دسته‌ها: دنیای نرم افزار

گوگل سرویس‌های مختلف و زیادی دارد که ما بر حسب نیاز از بسیاری از این سرویس‌ها بهره می‌بریم. سرویس‌های

چون بلاگر ، تقویم گوگل ، گوگل ریدر ، جی میل ، پیکاسا ، گوگل پروفایل ، جی تاک ، یوتیوب ، فیدبرنر

گوگل ویو ، Docs و سرویس‌های گوناگون دیگر. اما یک سؤال گوگل با این همه سرویس چقدر درباره ما

می‌داند ؟ گوگل از اطلاعات ما چگونه استفاده می‌کند ؟ آیا برای هوشمندکردن تبلیغات و نمایش سفارشی شده

آن‌ها بر حسب علایق ما از این اطلاعات بهره می‌برد؟

سؤال دیگر آیا امکانش هست در یک صفحه کل سرویس‌های که من استفاده می‌کنم مرتب لیست

شده باشد و خلاصه‌ای از آمارهای آن به من داده شود؟

پاسخ بله هست به کمک سرویس جدید گوگل یعنی [گوگل دشبورد](#) [Google Dashboard].

گوگل دشبورد اکانت‌های مختلف شما را که در گوگل دارید لیست کرده و آماری از هر کدام ارائه می‌دهد.

البته هنوز در این صفحه مشخص نشده که گوگل چه اطلاعات ریز دیگری از ما دارد و چگونه از آن‌ها

بهره می‌برد. ولی این مکان جای مناسبی هست برای استفاده از تمام سرویس‌ها و اینکه آماری از آن‌ها

داشته باشیم و همچنین لینک همه آن‌ها. همچنین در کنار هر سرویس لینک‌های مربوط به تنظیم کردن آن‌ها

نیز وجود دارد، در ضمن سرویس Web history نیز در اینجا لینک شده و اطلاعات آن نمایش داده

می‌شود.

**بهر!**

December 1, 2009

دسته‌ها: عمومی



بعد از فیس‌بوک و توییتر که در وب به شهرت رسیدند و نقل هر محفلی شده بودند این بار چیزی عجیب‌تر در وب به شهرت رسیده و همه به تماشای آن نشسته و یا برای آن فعالیت می‌کنند. [hotels.by.city](http://hotels.by.city) که یک سایت برای پیشنهاد دادن هتل در شهرهای مختلف دنیاست فعالیت را شروع کرده به این شکل که کسانی که در یک هتل اقامت می‌کنند از تخت خواب خود به عنوان یک تخته فنی که آکروبات‌ها برای پرش استفاده می‌کنند بهره برده و عکس‌های خلاقانه بگیرند.



تصویری خلاقانه که شبیه به حرکت سوپرمن هست.





توجه کنید که این عکس‌ها تنها در یک لحظه ثبت شده‌اند یعنی در لحظه پرش ولی این افراد چنان استادانه رفتار کرده‌اند که انگار در هوا معلق مانده‌اند. در ضمن این کار یک روش تبلیغاتی خیره‌کننده برای این وب‌سایت شده چنان که اکنون در وب این تصاویر یافت می‌شود و خیلی‌ها تمایل دارند برای یک بار هم که شده بر روی تخت خواب خود این کار را تکرار کنند.

[بلاگ مربوط به Bed Jump](#)

## قاتل اره‌مویی

December 4, 2009

دسته‌ها: سینما

برچسب‌ها: saw, اره



جان کرامر از تومور مغزی رنج می‌برد او مهندس است هنگامی که یک‌بار در زندگیش دست به خودکشی زد و از آن خودکشی جان سالم به در برد قدر زندگی را فهمید. همینجا بود که تصمیم گرفت این تجربه را در اختیار کسانی که قدر زندگی خود را نمی‌دانند بگذارد، در اختیار گذاشتن با روشی غیرمعمول... رسانه‌ها نام قاتل اره‌مویی بر آن نهادند، اما او خودش را قاتل نمی‌داند، برخلاف قاتلین که افراد را می‌کشند و هدف خود را نمی‌کشند بلکه به آن‌ها ضربه روحی و یا جسمی وارد می‌کند تا قدر زندگی خود را بدانند و تلاش کنند خود را از آن شرایط نجات دهند.



به عنوان مثال هدف بالا بر روی صورتش یک ماسک مرگ قرار گرفته که پشت آن شمارشگری شروع شده و اگر این فرد این ماسک را باز نکند بعد از اتمام شمارش ماسک بسته میشود و ... اما قاتل اره‌مویی به این هدف یک فرصت داده تا از مرگ خود جلوگیری کند او قبل از بستن این ماسک به صورت هدف او را بیهوش کرده سپس کلید باز شدن این ماسک را در پشت چشم او قرار داده است حالا هدف باید برای نجات خود قدری خون‌ریزی کند و با چاقوی جراحی چشم خود را بیرون بیاورد و کلیدی که پشت چشمش کار گذاشته شده بیرون بیاورد و خود را نجات دهد. این روش قاتل اره‌مویست.



هدف‌ها هیچگاه جان کرامر را نمی‌بینند بلکه این عروسک که صدای ضبط شده او را پخش می‌کند راه ارتباط او با هدف‌هاست، این عروسک تنها به هدف‌های که گنج و مبهوت چرایی بودن خود در چنین مخمصه‌ای هستند می‌گوید که راه نجاتشان چیست راهی که کم از مرگ ندارد...

جان کرامر و این داستان‌ها برای اولین بار در سال 2004 و در فیلم اره [Saw] بر پرده سینما ظاهر شدند و چنان مورد استقبال قرار گرفت که چندی پیش فیلم اره 6 همزمان با هالووین راهی سینماها شد.



اما به جان کرامر گفتیم قاتل اره مویی در اصل رسانه‌ها به او لقب [jigsaw] دادند که در اصل به جز معنای اره مویی به معنای قطعات پازل نیز می‌باشد، اما چرا ؟ قاتل اره مویی هنگامی که یک هدف از پس آزمایش بر نمی‌آید و جاننش را از دست می‌دهد بخشی از بدن او را شبیه به یک تکه پازل جدا می‌کند، تکه‌ای که گویا تکه زندگی بوده و هدف قدرش را ندانسته از این رو به او لقب jigsaw داده شد.

اما او هر چه باشد و هر چقدر اعمال سادیسمی انجام دهد یک چیز را به صورت عیان به همه می‌گوید قدر زندگی را تا قبل از اینکه در یک مخمصه گیر کنید بدانید. زندگی که باید سالم و درست باشد.

[فیلم اره در ویکی‌پدیا](#)

## هستن یا استن؟

December 5, 2009

دسته‌ها: ادبی

به من خرده گرفته شده که چرا اینقدر از کلمه ” هست ” استفاده می‌کنی و از اونجایی که برای هر چیزی پاسخی هست باید به این موارد اشاره کرد.

1 – از طرف خودم باید بگم خب هر جای که نیاز باشه باید استفاده کرد دیگه !

اما از دید ادبی شاید منظور این باشه به جای ” هست ” بگیم ” است ” اما به واقع تفاوت این دو کلمه چیه ؟

موضوع پیچیده‌تر از این حرفاست چونکه این دو کلمه در قدیم‌الایام ریشه در کلمات ” هستن ” و ” استن ”

داشتن ولی امروز اینگونه نیست و هر دو از کلمه ” بودن ” نشات می‌گیرن و شاید همین موضوع دست ما را

برای استفاده از هرکدام به جای آن یکی باز می‌کنه.

مثلاً :

حضرت‌والا در خانه است.

حضرت‌والا در خانه هست.

هر دو تا جمله بالا یعنی حضرت‌والا توی خونه تشریف داره.البته معمولاً جمله‌ای که کلمه ” در ” توش باشه

باید با ” است ” پایان بگیره ولی به هر حال جملات بالا هم درست هستن.

مقاله زیر تنها مقاله‌ای بود که به بررسی علمی تفاوت ” است ” و ” هست ” پرداخته بود فکر کنید بحث چقدر پیچیده

شده که کار به مقاله و اینا کشیده :

[تفاوت ” است ” و ” هست ” چیست ؟](#)

البته وقتی من میام [اشتباهات مصحک راج](#) رو می‌نویسم باید این موارد رو مدنظر قرار بدم ولی مطمئن هستم

خیلی‌ها اصلاً به این چیزا دقت نمی‌کنن ! پس به صرف اینکه کلمه‌ای به گوش کسی آشنا نیست دلیل به

اشتباه بودن اون نیست.

## از اعماق وب 2

December 5, 2009  
دسته‌ها: از اعماق وب



تابلوهای شمارش معکوس را دیده اید، همان‌های که برای پایان یافتن پروژه‌ای و یا هدفی به صورت معکوس شمارش می‌کنند. اما چه می‌شد که وب‌سایتی هم بر حسب علاقه ما شمارش معکوس می‌ساخت. [Egg Timer](#) همین کار را انجام می‌دهد و هیچ محدودیتی هم ندارد. حتی شمارش معکوس‌های بر حسب سال می‌سازد! این وب‌سایت کاری از دیوید لیمپوکس خالق چیزهای بی‌استفاده[!] در وب است.

**پیوست:** همچنین دیگر [اعماق وب](#)! حضرت والا را از طریق [فید](#) دنبال کنید. همچنین دوستانی که قصد دارند

آخرین مطالب وبلاگ برایشون ایمیل بشه، اشتراک ایمیلی در آخر صفحه اضافه شده کافیه اول ایمیل خودتون رو بدید بعد به پنجره باز می‌شه نوشته‌ای که اونجا هست رو تایپ کنید و تمام. بعد ایمیلی برای شما میاد روی لینک درون ایمیل کلیک کنید. تا عضویت شما تکمیل بشه.



## اینفلو

December 8, 2009

دسته‌ها: فناوری

از بحث‌های این روزهای دنیا، آنفولانزای خوک‌ست. بیماری که در کنار آنفولانزای فصلی شده بلای جان انسان‌ها، آن‌هم در فصلی که به خودی خود برای بشر دردسرساز است. اما همانطور که می‌دانیم یکی از راه‌های عمده انتقال این بیماری از راه تنفس هست، زدن ماسک هم به صورت دائم و آن هم در محیط‌های سر بسته بعد از مدتی امکان تنفس راحت را مشکل می‌کند، اینجا است که پای دو مخترع سوئدی وسط می‌آید تا با استفاده از یک فن کوچک که با باتری کار می‌کند ماسک‌ها را مدرن کنند.



توضیح :

یکی از روش‌ها برای جلوگیری از مبتلا شدن به بیماری مثل آنفولانزای خوک تزریق خون فردی هست که به این بیماری مبتلا شده با اینکار ما سعی می‌کنیم تا سیستم ایمنی بدن رو قوی کنیم. من حدود سه ماه پیش واکسن آنفولانزای خوک رو زدم حدود چهار روز به صورت خفیف تمام حالات بیماری رو گرفتم و بعد خوب شدم این هم به همون شکل هست یعنی سیستم ایمنی بدن در برابر این بیماری مقاوم می‌شه. این ماسک هم به همین شکله یعنی معتقد هست که شما با در معرض خطر بودن بیشتر و دریافت بیشتر ویروس کمتر مبتلا می‌شید و سیستم بدنتون قوی‌تر می‌شه که البته به شکل صد در صد درست نیست. برای همین به این وسیله اسم Influenza Collector داده شده یعنی جمع‌آوری کننده ویروس آنفولانزا.

این هم صفحه مربوط به این اختراع : [اینفلو](#)

**پیوست:** دوستانی که ایمیل خودتون رو برای اشتراک ایمیلی وارد کردن، توجه کنن براشون یه ایمیل اومده باید وارد اون ایمیل بشن و روی لینک درون اونجا کلیک کنن تا مراحل عضویت تکمیل بشه الان خیلی‌ها عضو شدن ولی اینکار رو نکردن خب اینجوری که مطالب براتون ارسال نمی‌شه که !

## هائوشی

December 8, 2009

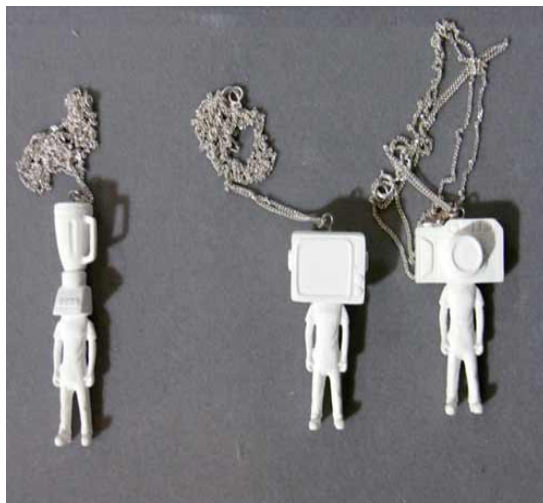
دسته‌ها: عمومی

هائوشی، شرکت مستقر در تایوان و متخصص در ساخت زیورآلات و آن هم متفاوت‌تر و زیباتر از هر شرکتی. در اینجا حلقه‌های تولید این شرکت با طرح‌های از سر حیوانات را مشاهده خواهیم کرد. این حلقه‌ها هر کدام در چهارسایز و با قیمت 75 دلار عرضه می‌شود.





جنس این حلقه‌ها از ترکیب فلز و پلاستیک است و نکته مهم در زمینه تولید این حلقه‌ها عدم استفاده از قالب و کار دست بودن این حلقه‌هاست.  
در کنار این حلقه‌ها می‌توان گردن‌بندهای این شرکت را هم ذکر کرد، گردن‌بندهای که طرح‌های فوق‌العاده‌ای برای آن‌ها کار شده و نظر هر کسی را جلب می‌کند.



[وب سایت رسمی استدیو طراحی هاژویشی](#)

[تصویر کوچک تمام حلقه‌ها](#)

[تصویر کوچک تمام گردن‌بندها](#)

## دعوت‌نامه گوگل ویو 2

December 10, 2009

دسته‌ها: عمومی

قبلاً در پست [دعوت‌نامه گوگل ویو](#) با همکاری خود بچه‌ها نزدیک به 40 تا دعوت‌نامه ارسال کردیم. الان توی اکانت من 17 تا دعوت‌نامه جدید اضافه شده، از اونجای که من آمار دوستانی که توی پست قبلی براشون دعوت‌نامه ارسال کردیم از دستم در رفته بنابراین اول دوستانی که قبلاً توی اون پست کامنت گذاشتن ولی براشون دعوت‌نامه ارسال نشد همین‌جا بگن تا من چک کنم و براشون ارسال کنم. اگه هم نه از دوستان قبلی کسی نبود که به 17 نفر اولی که همین‌جا کامنت بزارن ارسال می‌کنم. توجه کنید منظورم از کامنت گذاشتن این هست که ایمیل‌تون رو داشته باشم برای ارسال و گرنه اگه نمی‌خواید کامنت بزارید کافیه ایمیل بنزید. ایمیل من هم که بالای صفحه موجوده .

این هم از کار خیر ما در این روز پنج‌شنبه ای (:).

## هذیون 1

December 11, 2009

دسته‌ها: هذیون

در سرزمینی دور، دور تر از تمام دورهای دنیا، مردی می‌زیست با شش دست و سه پا و سه سر، آویخته از شاخه درخت در حال پوست کردن پرتقال.

عده‌ای ته دره با دهان‌های باز و انگشت‌های اشاره رو به مرد شش دست و سه پا و سه سر منتظر شنیدن آخرین پند قبل از سوخته شدن در آتش دره.

مرد شش دست و سه پا و سه سر گفت :

” آدم‌ها را با منویاتشان نشناسید، آدم‌ها را با اعمالشان بشناسید”



[سه سال بعد]

**نویسنده :** باور کنید این داستان سه سال بعد هم داشت ولی از اونجای که من باید متوسط‌ترین داستان متوسط دنیا رو می‌نوشتم برای همین امکان کش دادن موضوع نیست به هر حال سریال 90 قسمتی نیست که تا همین جاش هم یه پند بزرگ داشت. که الان می‌گم لطفاً دوربین کلوز آپ بگیره صدای منو هم اکو کنید.

یک دو سه امتحان می‌کنیم.

اگه توی بخش متوسط‌نشین شهر هستی ، اگه سیندرلا هستی ، اگه می‌خوای همسر شاهزاده بشی ، بدون رمزش اینکه که کفش پاشنه طلا بیوشی نه کفش کتونی.

**تصویر:** نقاشی سیندرلا اثری از سر جان اورت میلیاس

**پیوست:** حضرت والا را از طریق [فید دنیال](#) کنید !

December 13, 2009  
دسته‌ها: اجتماعی

1- به سری طرح دارم می‌ترسم الان بگم طرح‌هام رو بدزدن.

## 2- برای طرز تفکرت متاسفم !

3- به نظر شما این چی می‌شه ؟ نه اینجوری نیست...

آخ که ما آدم‌ها تخصص نابی داریم جدا کردن خودمون از دیگران و محکوم کردن اونها در عین اینکه خودمون رو شاقول درستی‌ها می‌دونیم. خویه آدم وقتی چیزی رو می‌سنجه ملاکش خودش نباشه و فکر نکنه خودش کار درست‌ترین آدم رو کره زمینه. ”دست بالای دست زیاده“

## 6- من اگه خودم بخوام ...

7- به نظر من ...

## 8- توی خارج ...

9- خب اینجا اینترننه تو بیرون اینطور نیستم که ...

شما با وبلاگ نوشتن ، توئیتر ، فیس‌بوک ، چت و هر چیز دیگه‌ای در اصل روی به استیج میری که بقیه و عده بیشتری نگاهات می‌کنن اینکه چقدر مودب باشی در پی چه بحث‌های باشی ، همه و همه این‌ها شخصیت واقعی شما رو نشون می‌ده . اینکه فردی توئیتر هر چی بد ذهنی هست به خرج میده و یا اینکه 24 ساعت اونجاست





2012

December 14, 2009

دسته‌ها: سینما



فیلم 2012 که ماه قبل میلادی روانه سینما شد روایتی بود از پایان دنیا در سال 2012 اما چرا چنین فیلمی ساخته شد. قوم رمزآلود مایا سرآغاز این موضوع است. قومی که تقویمش تنها تا 21 دسامبر 2012 را پیش‌بینی کرده و بعد از آن هیچ چیزی نیست یعنی پایان دنیا از دید قوم مایا.

#### مایاها چه کسانی بودند ؟

مایاها قومی ساکن آمریکای جنوبی امروزه بودند که در بازه زمانی بین 2000 سال قبل از میلاد مسیح تا 250 سال بعد از میلاد مسیح زندگی می‌کردند. البته درباره این ارقام قدری شک وجود دارد. تمدن عظیم این قوم در یک چشم بر هم زدن نابود شده و هیچ کس نمی‌داند مردم این منطقه به ناگاه کجا رفتند. مایاها قومی بودند که از وجود نپتون و پلوتون در منظومه شمسی باخبر بودند! تقویم آن‌ها تمام کسوف و خسوف‌های هزاران سال بعد از خودشان را پیش‌بینی کرده بود و همین امر موجب نگرانی می‌شود بابت پیش‌گویی آن‌ها.



[تصویر: یکی از معابد به جا مانده از تمدن باستانی مایا]

برای اطلاعات بیشتر درباره تقویم مایاها که پایان دنیا را در سال 2012 می‌داند در ویکی‌پدیا فارسی

مطلب خوبی قرار دارد: [تقویم مایاها](#)

اطلاعات بیشتر درباره تمدن مایاها از [ویکی‌پدیا انگلیسی](#)

نکته جالب دیگر درباره مایاها وجود تصاویری از بشقاب‌پرنده‌های فضایی و همچنین موجودات بیگانه بر روی

معابد و وسایلشان است، قبلاً در پستی به یکی از این موارد اشاره کردم: [بشقاب فرازمینی‌ها](#)

در نهایت اینکه قبل از سال 2000 برخی از مردم جهان فکر می‌کردند که این در این سال دنیا به پایان

میرسد و حتی دیدیم فرقه‌های را که ثانیه‌های قبل از سال 2000 خودکشی کردند. حال بدون هیچگونه

پیش‌دآوری درباره سال 2012 باید دید که تقویم مایاها با منطق خاصی در سال 2012 به اتمام رسیده و یا

اینکه در آن زمان بودجه‌شان تمام شده و نتوانسته‌اند تقویم را تکمیل کنند.

**پوست:** اینکه من در متن گفتم قوم مایا عبارت کاملاً صحیحی نیست باید بگم تمدن مایاها چون اون‌ها فقط یک



## سلول‌ها حرف می‌زنند

December 15, 2009

### دسته‌ها: عمومی

حتماً در این روزها خواهید که دانشمندان کشف کرده‌اند که سلول‌ها با هم حرف می‌زنند البته ارتباط و صحبت آن‌ها مانند ما انسان‌ها نیست و دانشمندان نام این صحبت کردن و تعامل را ” مکالمه بین سلولی ” گذاشته‌اند. اما ما هم در آزمایشگاه مایو مجامبوی خودمان توانستیم بخشی از گفتگوهای بین چند سلول را ضبط کنیم که در زیر می‌توانید متن آنرا بخوانید :

## 1- سلام سلول !

## 2- سلام سلولی ؟!

### 1- چه خبرا؟ کم‌پیدایی؟ سگرمه‌ها توهمه؟

**2- چي بگم خواهر دست رو سلولم نزار، از دست اين سلول ملولا .**

**1- باز چي شده با شهين ملولي دعوات شده ؟**

**2- نه بابا اون که اصلاً سلول نیست، سلول مرده است تا چند روز دیگه می‌شه چرک کف دست.**

### 1- چي شده باز تو کرک و پرش میزاري؟

2- والا از تو چه پنهن اون سلول بنيادی يادته اومده بود خواستگاريم ؟

**1- همونی که طرفای مغز خونه داشت ؟ خوشتیپ و پولدار بود؟**

2- آره همون رفتن تحقیق، از همه جا رفتن در خونه این شهین ملولی روزدن، اونا هم برگشتن گفتن

ما تا همین پارسال با سلول ملولای معده‌ای رفت و آمد داشتیم اینا هم جواب منفی دادن.

**1- این شهین ملولی چقدر [.....]**

[در این لحظه به خاطر حرف‌های بی‌تربیتی که زده شد ما مجبور شدیم به اهمی اوهمی چیزی به هر حال

[بکنیم]

**1 و 2:** هوی هوی مگه خودت سلول ملول نداری وایسادای حرفای ما رو گوش میدی؟

[در اینجا بود که چند تا قابلمه و قوری طرف دانشمندان آزمایشگاه ماموجامبو پرت شد و آزمایش به انتها

[رسید]

اما برای اطلاعات بیشتر:

سلول‌ها با هم حرف می‌زنند.

## سلول بنیادی

December 16, 2009  
دسته‌ها: کشکول

**پیوست:** بخوانید دیگر [کشکول‌ها را!](#)

December 18, 2009  
دسته‌ها: شیوه زندگی



## پودرشدگان

December 20, 2009

دسته‌ها: عمومی

دارم به فیلم‌نامه می‌نویسم در اصل برای یک سریاله، می‌دونید که معمولاً اینجور کارها زیاد انرژی می‌گیره و خب ساخت شخصیت‌های داستان خودش یک بخش اساسی از کاره. با اینکه معمولاً کسی خط و ربط داستانش رو نمی‌گه نکته که لو بره ولی از اونجای که فیلم‌نامه من از این لوس‌بازی‌های که میرن خواستگاری طرف و اون یکی دزده و این یکی همه چیز تموم نیست. براتون داستان رو هم میگم بلکه نظرتون رو بگید کار خوب از آب در بیاد.

داستان اینجوری شروع می‌شه، یه عده‌ای سوار هواپیما می‌شن، البته من برای اینکه سریال هیجانی‌تر بشه تصمیم دارم از لحظه سقوط داستان رو روایت کنم ولی به هر حال این عده سوار هواپیما می‌شن بعد هواپیما سقوط می‌کنه دورین میره زوم میکنه روی محل سقوط فقط به حفره بزرگ باقی مونده همین ! هیچ کسی هم زنده نمونده.

به هر حال توپولوفه دیگه.

سریال هم همینجا تموم می‌شه. به نظر خودم ایده عالی می‌شه نه بیننده‌ها منتظر سیزن‌های جدید می‌مونن، نه خرج روی دست تهیه کننده میزاریم تازه واقع‌گرایانه هست،

چیه ؟ انتظار دارید هواپیمای توپولوف توی سریالم سقوط کنه بعد 47 نفر هم زنده بیرون بیان ؟! حرفای میزنید ها. سریالم تموم شد.



## شب یلدا

December 21, 2009

دسته‌ها: عمومی

به نیت همه خواننده‌های وبلاگ فال حافظی گرفتیم کما اینکه نباید شاعر را برای روز و شبی مصادره کرد ولی چه خوب که به بهانه‌ای شعری هم خوانده باشیم...



بجز از خدمت رندان نکند کار دگر	گر بود عمر به میخانه رسم بار دگر
تا زخم آب در میکده یک بار دگر	خرم آن روز که با دیده گریان بروم
تا برم گوهر خود را به خریدار دگر	معرفت نیست در این قوم خدا را سببی
حاش لله که روم من ز پی یار دگر	یار اگر رفت و حق صحبت دیرین نشناخت
هم به دست آورمش باز به پرگار دگر	گر مساعد شوم دایره چرخ کیود
غمزه شوخش و آن طره طرار دگر	عافیت می‌طلبید خاطر من ار بگذارند
هر زمان با دف و نی بر سر بازار دگر	راز سربسته ما بین که به داستان گفتند
کندم قصد دل ریش به آزار دگر	هر دم از درد بنالم که فلک هر ساعت
غرقه گشتند در این بادیه بسیار دگر	بازگویم نه در این واقعه حافظ تنهاست

### تعبیر :

از زحمتی که تحمل کرده ای و تو را به نتیجه نرسانده است نا امید شده ای. غم و اندوه حاصلی ندارد و راههای دیگر را امتحان کن. اراده داشته باش و نا امیدی را رها کن. با هر کسی راز خود را در میان نگذار.

**پیوست:** مینیاتور حافظ کاری از آقای صادق صندوقی.